

درخت بی بر و زاهدی خانه فی در مراد از نزول
قرآن تحصیل سیرت خوبست نه تر نبل صورت
مکتوب عالی معتقد پیاده رفته و عالم ممتحان
سوار خفته عامی که دست بردار در بار عابدی
که عجب در سر دارد **دیت** بر سنگ لطیف خوب
گفتار بجز ز فقیه مردم از آن **نکه** یکی را بر سیدند
که عالم بی عمل بجز ماندگفت بر بنور بی **عسل** **دیت**
ز بنور در دست بی مروت ز گوی باری چو
عسل بی دمی بس مزه **حکم** مردی مروت
ز نسبت و زاهد با طبع ره زن **قطعه** ای
بناموس کرده جام سفید بجز بنبار خلوص
و نام سیاه دست کوتاه باید از دینی آستان
چه در از وجه کوتاه دو کس را حسرت از دل
نرود و بای تقابن از کل نباید تا بگشتی سگنه
و میراث یافته با قلندران نشسته **قطعه**
پیش در ویتان بود حیونت مباح که نباشد
در میان حالت سبیل مام و مامار از زرقه برین

با بکش

۸۲
با بکش بر جان و مان انگشت نبل یا مکن با مان
دوستی با بنا کن خانه در حور در بیل **فایده**
اگر چه خلقت سلطان عزیزست جامه خلقت
خوش از آن عزیز تر و جوان بزرگان اگر چه لذت
حده ابناء خود از آن لذت تر **دیت** هر که از
دست رنج خویش و نره بجز از آن که خدا
و بره **حکم** خلاف رای صوابست و عکس
ند بر اولوالباب دارد و بجان حور دن و راه
نادیده بی کار و آن رفتن **حکایت** امام فرستد
محمد خالی را بر سیدند که چگونه رسیدی بدین
منزلت عالی در علوم گفت بدانگ هر چه
نذاشتم از بر سیدن آن عار نداشتیم **قطعه**
امید عاقبت آنکه بود موافق طبع که نبض
خود به طبیعت شناس بنمایم بر سر هر چه
نذاتی که ذل بر سیدن دلیل راه تو باشد
بعود انبای **دیت** هر آنچه دانی که هر آینه معلوم
نخواهد شد بر سیدن آن بجز عکس که حکمت را